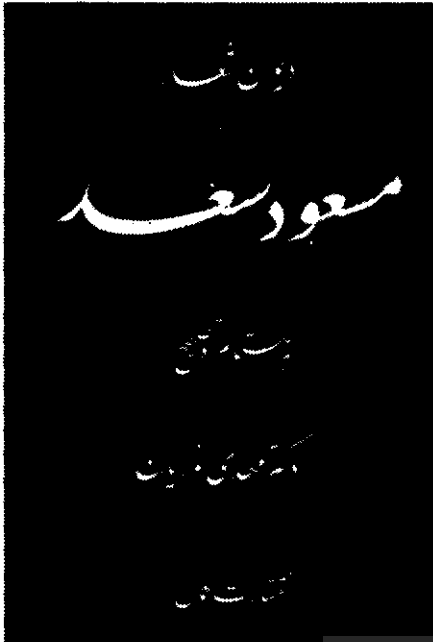


چاپ تازه دیوان

مسعود سعد

مسعود تاکی



دیوان مسعود سعد. به تصحیح و اهتمام دکتر مهدی نوریان. انتشارات کمال. اصفهان. ۱۳۶۵. ۲ جلد. ۱۲۶۱ صفحه. ۳۱۵۰ ریال.

مقدمه

چاپ جدید دیوان اشعار مسعود سعد به تصحیح دکتر مهدی نوریان، استاد زبان و ادبیات دانشگاه اصفهان، راه که نفاست چاپ از مزایای آن است و با ذکر نسخه بدلها بر تصحیح مرحوم رشید یاسمی رجحان یافته است، به مقصودی مطالعه کردم و ضمن مطالعه به مقایسه آن با چاپ مرحوم رشید پرداختم و شواهد و دلایلی برای برتری آن یافتم. مصحح محترم در تصحیح متن بیش از هفت نسخه و مأخذ متفاوت در اختیار داشته‌اند.

پیش از آنکه نتایج حاصله را عرضه دارم دو نکته را باید یادآور شوم: یکی اینکه در اشعار مسعود سعد تنوع در تعبیرات و آفرینش تشبیهات و استعارات و صحنه‌آراییها محدود و فقیر است و همین محدودیت او را به تکرار تعابیر و مضامین و حتی مصرع و بیت واداشته است و شواهد این معنی متعدد است^۱ و این خود گاهی راهنمای خوبی است برای انتخاب صورت اصح از میان نسخه بدلها؛ دیگر اینکه با همه کوشش مصحح محترم به این منظور که چاپ جدید شامل حداکثر ابیات باشد، گاهی ابیات منسوب به شاعر که در دیگر جاها موجود است در این تصحیح نیامده است^۲ ضمن اینکه ابیاتی منسوب به دیگران در آن راه یافته است^۳. اینک بشرح نتایج مطالعه و مقایسه خود را، به عنوان یکی از شاگردان استاد نوریان، به نظر خوانندگان می‌رسانم:

نقد قصاید

○ قصیده ۱۴، ب ۳۳:

بساط ناصح تو پیشگاه باده وورد
سرای حاسد تو پی‌گذار آتش و آب

به جای «ورد، گل سرخ» احتمالاً «رود» می‌بوده است. این شاعر بارها در شعر خود (مثلاً قصیده ۶، ب ۳۰ و قصیده ۴۹، ب ۳۴ و قصیده ۱۵۲، ب ۶۱) از دوواژه «باده و رود» به ویژه در دعا گفتن به ممدوح و غیر آن استفاده کرده است.

○ قصیده ۱۸، ب ۸:

ز کوهسار سحرگه چو ایر صادق تافت
گل مورّد بگشاد چشم خویش از خواب

به جای «ایر صادق»، «صبح صادق» صحیحتر می‌نماید.

○ قصیده ۱۹، ب ۲۵:

بتافتند ز آتش سنانِ حربه او

گرفت آتش از آن روز باز تیزی و تاب

چون فعل «بتافتند» جمع است باید «سنان و حربه» باشد.

○ قصیده ۵۴، ب ۱۸:

مملکت را همه قرار و مدار

در سرِ کلک ببقار تو یاد

در دو نسخه از سه نسخه مورد استفاده استاد، صورت مصرع دوم بیت بالا «در قرار تو و مدار تو باد» ضبط شده است و مصحح محترم همان صورت نسخه «م» را برگزیده‌اند. اما به دلایل زیر شاید صورت آن دو نسخه صحیحتر باشد: اولاً قافیه این قصیده از زمره قوافی مشکل مسعود سعد نیست که شاعر به تکرار آن ناچار باشد، بویژه که قصیده هم دراز نیست؛ با اینهمه، درست در هفت بیت بعد، مصراع مورد نظر فقط با تبدیل «کلک» به «تیغ» آمده است، بدین صورت: در سر تیغ ببقار تو یاد. از سویی، مسعود سعد چندین بار (قصیده ۶۵، ب ۱۴ و قصیده ۱۰۶، ب ۲۹)

مضمون قرار پادشاهی یا مُلك را در بیقراری تیغ بیان کرده است. بعلاوه «تیغ» در دست شاه است نه كلك. اگر ممدوح وزیر یا دبیر می بود «كلك» مناسبت پیدا می کرد.

○ قصیده ۶۲، ب ۲:

ز بوته دل رویم همی کند چون زر
ز ابر چشم کنارم همیشه تر دارد

در چاپ مرحوم رشید یاسمی - که مصحح محترم در این مورد به آن اشاره نکرده اند - به جای «همیشه تر» «همی شمر» آمده است و صحیحتر می نماید. چه قافیه «تر» در بیت چهارم همین قصیده تکرار شده است. در مطلع قصیده ۸۰ نیز «وز دیدگان کنارم همچون شمر شود»؛ و باز در قصیده ۱۲۰، ب ۴۳ «وز آب این دو دیده کنارم همه شمر» آمده است.

○ قصیده ۷۸، ب ۲۵:

قطره بی آب و خاک را ندهند
تا به خون روی گل میندایند

«و» بین آب و خاک زاید می نماید.

○ حق گذاردن یا حق گزاردن؟ هر چند بر طبق آنچه در برهان قاطع آمده است، هر دو صورت آن صحیح است، اما بهتر می بود از رسم الخط یکسانی در این باره پیروی شود که نشده است:

چو حق خنجر بر دشمنان گذارده شد
تو حق ساغر با دوستان خود بگذار

(قصیده ۸۷، ب ۵۷)

که بگذرد به چاره يك يك این وام

برون آرد ز پایش يك يك این خار (قصیده ۹۳، ب ۱۷)

چون گذاری به تیغ تیز نبرد

حق مجلس بیجام می بگذار (قصیده ۱۱۵، ب ۵۷)

مقایسه کنید با:

حق تو گزارد نصرت حق

زیرا که تو شاه حق گزاری (قصیده ۲۹۰، ب ۳۲)

حق بخت خدای داد ز عقل

به چنین بند نغز بگزاری (قصیده ۲۹۱، ب ۱۶)

○ قصیده ۸۸، ب ۷:

مرا ز دیده روان خون و خواب رفته از او

بلی ز رفتن خونست علت بیمار

به نظر می رسد ضبط درست «بیمار» باید «بیدار» باشد؛ زیرا گذشته از معنی مصراع اول که مؤید این نکته است، قافیه «بیمار» بار دیگر در این قصیده آمده است.

○ قصیده ۹۵، ب ۲۳ و ۲۴:

بر فراز کوهها کردند يك لحظه درنگ

تو از آن تربت بر آوردی به يك حمله دمار

تو در آن بقعت پراکندی به يك نعره سپاه

در مضیق غارها ماندند یکساعت بشار

عدم ارتباط معنایی دقیق بین دو مصراع هر بیت و همچنین توازی و توازن کلمات بین مصرعهای معین دلیل است بر اینکه مصرعهای دوم جایجا شده اند.

○ قصیده ۱۰۴، ب ۱۸:

تا حمله برد جود تو بر گنج شایگان
با کس نیاز نیز نبیوست روزگار

در نسخه «ج» - که در نسخه بدلهای بدان اشاره ای نرفته است - به جای «روزگار»، «کارزار» آمده است.

○ قصیده ۱۰۹، ب ۸:

بوته مملکت به جوش آمد
گوهر عدل را گرفت عیار

در قصاید ۹۱ و ۱۰۴ و ۱۰۶ و ۱۱۲ عیار گرفتن «گوهر ملك» مضمون واحد است نه «گوهر عدل» و همچنین است در نسخه «ج».

○ قصیده ۱۱۸، ب ۳۹:

روی ز گردون نمود طلعت خورشید
چون رخ یار من از کرانه معجر

در نسخه «ج» به جای «کرانه معجر»، «حلوئی معجر» آمده است و «حلوئی» به معنی سرمه است (منتهی الارب).

○ قصیده ۱۲۵، ب ۶:

آن شاه سخن دوست که هنگام سخاوت
لفظش دررافشان شد و دستش زر و گوهر

یقیناً مصحح ارجمند در هنگام تصحیح این قصیده متوجه شده اند که شاعر در سرودن این شعر صنعتگری نموده است، بدین گونه

که از حروف و کلماتی استفاده کرده که در موقع خواندن دولب به هم نمی رسد اما حرف «م» در کلمه «هنگام» ناقض این صنعت

است، لذا به نظر می رسد «درگاه» از «هنگام» مناسبتر باشد.

○ قصیده ۱۳۰، ب ۱۹:

تیغ تو بود به حمله در دست
همگونه مشک و رنگ نیلوفر

وجه شبه «تیغ» با «مشک» معلوم نیست. مسعود سعد اغلب تیغ را به «مورد» تشبیه می کند مانند بیت زیر:

تیغ چون مورد گشته چون لاله

روی چون گل شده جو نیلوفر (قصیده ۱۴۸، ب ۳۷)

○ قصیده ۱۴۰، ب ۶۲:

به هیچ وجه نبودست بی سخادستش
چنانکه هیچ نبودست بی عرض جوهر

مسعود در قصاید مدحی، سخاوت ممدوح را با قید «همیشه» و «همه وقت» می آورد و به نظر می رسد در بیت بالا هم «به هیچ وقت»، به جای «به هیچ وجه» صحیح باشد.

○ قصیده ۱۴۳، ب ۲۷:

ایدون بتابد از تو کمال و جمال تو

چونانکه نور شمع بتابد ز باختر

به نظر می‌رسد که باید به جای «شمع»، ضبط «شمس» درست باشد.

○ قصیده ۱۴۹، ب ۵۳:

شده ز سهمش تاری هزار خاطر
سیاه گشته ز شکرش هزار دفتر

این بیت شاید محصول ادغام مصرعهای دو بیت مستقل باشد، طبق آنچه در نسخه «ج» آمده است به این صورت:

شده ز سهمش تاری هزار خانه
شده ز نامش روشن هزار منبر
سپید گشته به مدحش هزار خاطر
سیاه گشته ز شکرش هزار دفتر

○ قصیده ۱۵۲، ب ۳۰ و ۳۱:

جهانی زاده از طبیعت به آب و باد سرد و خوش

همه انصاف بی ظلم و همه معروف بی منکر

همه سعادت بی نحس و همه نورست بی ظلمت

درختی رسته از خلقت به شاخ و بیخ سبز و تر

مصرعهای دوم این دو بیت جایجا شده است.

○ قصیده ۱۷۵:

از بیت ۱۶ الی ۲۰ مصرعهای دوم ابیات جایجا شده اند، طبق نسخه «ج» نظم و ترتیب صحیح و دقیق آنها به صورت زیر است:

رهی نثر تو... / غلام نظم تو...

ز علم فردا... / که علم دارد گویی...

ایا به عقل و... / ایا به فضل و...

به وجود و علم... / به قول و فعل...

○ قصیده ۱۷۹، ب ۱ و ۲:

مصرعهای دوم ابیات ۱ و ۲ جایجا شده است. صورت صحیح چنین است:

خدا یگانا بخرام و با نشاط خرام

ز بهر نصرت دین و معونت اسلام

کشیده تیغی چون تیغ آفتاب به چنگ

شده ز ضربت آن صبح عمر دشمن شام

○ قصیده ۱۹۳، ب ۱۳:

می خور و می ده و بیال و بناز

کام چو عیش ران بناز و بچم

در این بیت واژه «بناز» در مصرع اول یا دوم ظاهراً تحریف شده «بیاز» است و ضبط درست «چو» در مصرع دوم «جو» است.

○ قصیده ۱۹۵، ب ۱۴:

در مصرع اول، ظاهراً کلمه «و» بین دو کلمه «قمارم» و «می مانم» افتاده و صورت درست آن این است:

با چرخ در قمارم و می مانم

○ قصیده ۲۱۱، ب ۱۹:

شاه گیر و شاه بند و مال بخش و داد ده

دیرزی و شادباش و ملک گیر و کام ران

مسعود سعد در قصاید مدحی کلمات «شهر گیر»، «شاه بند»،

«شیرگیر» را فراوان به کار برده است. احتمال می‌رود به جای

«شاه گیر» در مصرع اول ضبط «شهرگیر» مناسب باشد. در مقطع

قصیده ۲۲۱ «هزار شهر بگیر و هزار شاه ببند...» آمده و در بیت ۴

قصیده ۲۴۹ که در نسخه «ج»، «شاه گیر» آمده، جناب نوریان

«شهرگیر» را ارجح دانسته اند.

○ قصیده ۲۱۳، ب ۴:

نه نهالی نشاندی به زمین

نه بنایی بر آری به جهان

که با توجه به بیت قبل و وزن و به قرینه «نشاندی»، ضبط درست باید «بر آردی» باشد.

○ قصیده ۲۱۵، ب ۶۲:

نه زیر کیست که با او سخن توان گفتن

نه مردمیست که چیزی ازو شنید توان

در نسخه «ج» - که به آن اشاره نشده است - در مصرع دوم «زیر کی» و در مصرع اول «مردمی» است و صحیحتر می‌نماید،

چه سخن گفتن با هر انسانی ممکن است اما از زیر کان باید چیز

شنید و یاد گرفت.

○ قصیده ۲۱۶، ب ۱۰:

بر کوه با افسر اردشیر

تن باغ با کسوت اردوان

در نسخه «ج»، به جای «بر» در آغاز مصراع اول «سر» آمده است

و تناسب بیشتری با «افسر» دارد همانگونه که «تن» با «کسوت»

○ قصیده ۲۲۲، ب ۲۶:

نه گفتم چیز جز یارب نه جستم چیز جز رستن

نه راندم اسب چون پویه نه دیدم خلق جز افغان

که واضح است در مصراع دوم به جای «چون» باید «جز» بیاید.

○ قصیده ۲۲۳، ب ۳۲: در نسخه «ج»، این بیت پس از بیت ۳۰ آمده

است و چون این دو بیت از نظر لفظ و معنی بسیار نزدیک اند حتی

وابستگی معنایی دارند، ضبط نسخه «ج» اصح می‌نماید. به این

تفاوت یا جایجایی در نسخه بدلها اشاره نرفته است.

○ قصیده ۲۲۴، ب ۱۶:

از غبار باد دیناری شده برگ درخت

باشد آب جوی همچون تیغ شاه کامران

با توجه به چاپ شادروان رشید یاسمی صورت صحیح این بیت و

همچنین ابیات ساقط شده چنین است:

از غبار باد دیناری شده برگ درخت

وز صفای آب زنگاری شده جوی روان

خورد های زرساده بر کشیده از غلاف

تیغهای آب داده بر کشیده از میان

تا یهودی گشت باغ و جامه‌ها پوشید زرد

می نیارد زنده خواندن زنده و اف و زنده خوان
شد چو روی بدسگال مملکت برگ درخت
باشد آب جوی همچون تیغ شاه کامران

که می توان حدس زد تکرار «برگ درخت» در آخر مصرع اول
بیت ۱۶ و در آخر مصرع اول بیت اخیر موجب خطای باصره
کاتب شده است.

○ قصیده ۲۳۶، ب ۲۰:

در کف تو جو خوش بخندد جام
زار بر خویشتن بگرید کان

دقت در ابیات قبل و بعد این بیت، موجب می شود که متوجه دهش
و بخشش ممدوح شاعر بشویم، و سخنی از بزم و جشن او نیست
که «جام» محلی از اعراب داشته باشد. بعلاوه، همین مضمون را
شاعر در این بیت:

ز حرص جود تو در کان همی بخندد زر

ز بیم دست تو بر زرمی بگرید کان (قصیده ۲۳۳، بیت ۱۲)
عیناً آورده با این تفاوت که به جای «جام» «زر» آمده است. به
احتمال قریب به یقین در بیت بالا هم «زر» (که با «زار» جناس هم
دارد) به جای «جام» صحیح است.

○ قصیده ۲۳۸، ب ۹:

ز درد انده و هجران گذشت بر من دوش
شبی سیاهتر از روی و رای اهریمن

در چاپ مرحوم یاسمی «ز درد انده هجران گذشت» آمده است
که فصیحتر و صحیحتر می نماید.

○ قصیده ۲۵۶، ب ۱۲:

در چاپ مرحوم یاسمی دو بیت متوالی آمده است که این بیت، در
حقیقت، فرزند آن دو بیت است، یعنی هر مصرع آن متعلق به یکی
از آن ابیات است. آن دو بیت چنین است:

ماه تابانست گویی با قدح هنگام بزم

شیر غرانست گویی با کمان اندر کمین

ماه تابانست لیکن رزمگاه او را فلک

شیر غرانست لیکن رزمگاه او را عرین

شاید به جای «رزمگاه» در مصرع اول بیت دوم، صحیح «بزمگاه»
باشد.

○ قصیده ۲۵۸، ب ۱۲:

تو آسمان برینی و بی گمان باشد

ثبات گیتی از گشت آسمان بر زمین

کلمه قافیه در این بیت «برین» است چه، اولاً مصرع دوم فاقد
معنی درست است، ثانیاً واژه «زمین» دو بار دیگر در این قصیده
بیست و شش بیتی قافیه شده است.

○ قصیده ۲۷۰، ب ۲:

چگونه شادشود عاشقی زهجر غمی

که یارزیبا از در آیدش ناگاه

مصرع دوم از نظر وزن بدین صورت ناقص است، صحیح آن «...»
از در در آیدش ناگاه» است.

○ قصیده ۲۷۴، ب ۱۱:

رایان هندرا و امیران نغز را

لیها زبیم خشک شده دیده تر شده

احتمالاً به جای نغز (همانگونه که جناب استاد مشکوک
دانسته اند) باید «سند» باشد، در بیت ۱۳، قصیده ۲۴۳ چنین آمده
است:

رایان هند را و هزبران سند را

در بیشه‌ها بیاب و به یک جا بشار کن

○ قصیده ۲۸۲، ب ۱۸:

گر نیستی در هوس و پوبه وصلت

هر لفظ که هستیش به لا و نعمستی

اولاً در مصرع اول «پوبه» صحیح نیست و «پوبه» درست است؛
ثانیاً مصرع اول این بیت در بیت ۱۳ نیز آمده است؛ ثالثاً مصرع
اول و دوم این بیت ربط معنایی ندارند. مصرع اول در چاپ
مرحوم یاسمی بدین صورت آمده است: «گر نیستی از بهر عدو
فرمان دادن».

○ قصیده ۲۹۶، ب ۲۷ (دردیوان در شماره گذاری ابیات قصیده
تکرار بیش آمده و شماره بیت ۱۹ شده است):

چه گفت تیرگر انگشت او نیبوستی

مرا بزه من کز تر از کمان شدمی

مصرع دوم هر چند به گوش موزون است از نظر تقطیع هجایی
خالی از اشکال نیست.

○ ص ۷۵۸، ترجیع بند ۵، ب ۲۰:

گر هیچ بایدت که شوی مشکبوی تر

یکبار برفشان سر زلف سیاه را

معمولاً تکرار قافیه در بندهای ترجیعات مسعود سعد بسیار اندک
است؛ اما در بندی که یک بیت از آن را شاهد آورده ایم «زلف سیاه»
در بیت نخست آمده و در بیت شاهد نیز تکرار شده است و گمان
می رود «زلف دو تاه» صورت درست آن باشد، به دلیل رابطه
تضادگونه بین «یکبار» و «دوتاه». ثانیاً «دوتاه» را شاعر چند بار به
کار برده از جمله در مطلع قصیده شماره ۲۷۰ گفته: «چو پشت من
سر زلفین خویش کرده دوتاه» و در قصیده ۲۷۱، ب ۲۰ گفته: «با
تو یکناه گشت چرخ دوتاه».

○ ص ۷۸۳، مستزاد، ب ۱۲ و ۱۳:

آمد بهار خرم نیکوتر از بهاری پر گلستان

از دست هر نگاری شد عرصه‌های عالم باده‌ستان

که با اندک دقت در سیاق کل شعر متوجه جایجایی مصراعهای دو
بیت می شویم، صورت صحیح ابیات بدین گونه است:

آمد بهار خرم شد عرصه‌های عالم پر گلستان

از دست هرنگاری نیکوتر از بهاری بادهستان
○ ص ۸۲۱، قطعه ۱، ب ۳:

همان کفست و نخیزد ازو سخاوکرم
همان دلست و نجند دراو شفاعت‌ها

نسخه بدل بیت ما قبل این بیت، «شفاعتها» بوده و قافیه بیت بعد از بیت شاهد هم «شفاعتها» است، در نسخه «ج» قافیه بیت شاهد «شجاعتها» است ولی در نسخه بدلها به این نکته اشاره‌ای نرفته است. سیاق سخن در دو مصراع بر صحت نسخه «ج» گواه است.
○ ص ۸۴۰، قطعه ۳۵:

ابیات سه‌گانه این قطعه همان ابیات ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ قصیده شماره ۷۳ است که با تغییر چند کلمه تکرار شده است.
○ ص ۸۵۵، قطعه ۶۳:

این شعر قصیده است یا قطعه؟ چون در زمره قصاید (قصیده ۵۳) آمده بود.

○ ص ۸۷۴، قطعه ۸۵، ب ۹:

من نیام جو تو یقین گشتم
تو نیایی مرا مرا مفروش

آیا نباید به جای «نیایی مرا»، «نیایی چومن» باشد؟

○ ص ۸۸۰، «قطعه» ۱۰۰، ب ۵:

زبیم بلا آنچه دارم نگویم
زرنج و عنا آنچه گویم ندانم

فعل «دارم» در مصراع اول باید «دانم» باشد.

○ ص ۸۹۲، قطعه ۱۲۰:

مهره بارد به رزمگاه آری
بوالعجب شد به کینه دشمن
ای عجب ناچرخ دو مهره او
مهره پشت و مهره گردون

این قطعه دو بیتی با آنچه که در چاپ مرحوم یاسمی آمده است از نظر ترتیب مصراعها تفاوت دارد و به نظر می‌رسد که اگر مصراعهای اول دو بیت جابجا شوند معنی دقیقتر و روشنتری خواهد یافت.

○ دو بیت زیر:

گر بادخزان کرد به ما برحیل آری
وز لشکر نوروز بر آورد دماری
دارم چو توبت روی و دلارام نگاری
سازم ز جمال تو من امروز بهاری

در چاپ آقای رشید یاسمی در زمره قطعات آمده است اما در این کتاب هیچ نیامده، احتمالاً آقای دکتر نوریان مورد نظر داشته‌اند، چه در قسمت نسخه بدلها شماره ۱۵۱ را ذکر کرده‌اند ولی هیچ نشانه‌ای از توضیح شعر آن نیست و در زیر شماره ۱۵۲ موارد اختلاف شعر ۱۵۱ آمده است.

○ ص ۹۲۰، سطر ۷:

همچنان کز شیار گل ببری

همچنان گرد عشق تو شد یار

مصراع دوم بدین گونه که آمده است معنی روشنی ندارد. بویژه که بین دو جزء واژه «شد یار: شخم» اندک فاصله‌ای افتاد است. به نظر می‌رسد صحیح مصراع چنین باشد «همچنان کرد عشق تو شد یار».

○ ص ۹۵۱، سطر ۷:

«دین روزای رو تو آگفت دین...» که باید بدین صورت باشد:
«دین روزای روی تو آگفت دین».

○ ص ۹۹۰، رباعی ۶۵:

این رباعی، در چاپ مرحوم رشید یاسمی، در هیأت دورباعتی ظاهر شده است بدین گونه کی بیت اول مربوط به یک رباعی و بیت دوم مربوط به رباعی دیگر است، در قسمت نسخه بدلها به این نکته اشاره‌ای نشده است.

○ ص ۱۰۰۵، رباعی ۱۳۱، ب ۱:

چون موج سپاه روی هامون گیرد
از خنجر روی تو زمین خون گیرد

«از خنجر روی تو» در نسخه «ج» به صورت «از خنجر تو روی زمین...» آمده است و صحیح می‌نماید.

ابیات ساقط شده

○ قصیده ۱۰۰، بین ابیات ۲۵ و ۲۶:

بشت زمین چست ببوشد سیاه
روی هوا پاک بگیرد غبار

○ قصیده ۱۰۳، بین ابیات ۳۲ و ۳۳:

پیموده و سپرده ثواب و عقاب تو
بهنای هر بلاد و درازی هر دیار

○ قصیده ۱۳۷، بین ابیات ۸ و ۹:

همه لفظ او امر و نهی و هنوز
خورد شیر و خسبید به گهواره در

○ قصیده ۱۴۶، بین ابیات ۳ و ۴:

چو عاشقانش روی و چو عاشقانش دل
ولیک نیست مراورا ز عشق هیچ خبر

○ قصیده ۱۶۲، بین ابیات ۴ و ۵:

با تو پیاده خواند جهان آفتاب را
تاتو شدی به طالع میمون سوار ملک

○ قصیده ۲۱۸، بین ابیات ۵۳ و ۵۴ (ضمناً بیت بعد بدون این بیت از نظر معنی ناقص است):

چو صعب حصنی و افراخته حصاری داشت
که بود کنگر بارهش گذشته از سرطان

○ قصیده ۲۱۹، بین ابیات ۲ و ۳:

مرا، دو دیده به سیرستارگان مانده
که کی بر آید مه کی فرو شود سرطان

نشده است.

○ در موارد زیر ضبط متن با ضبط نسخه بدلها یکسان است:
قصیده ۴، ب ۱۶: «مواجهه آید»: قصیده ۴۹، ب ۳۸: «اندین جهان»؛ قصیده ۱۶۴، ب ۲۵: «برمفرش بزم آهوی بزم»: قصیده ۲۱۸، ب ۲۵: «بی خرد به میان» طبق «ج».

○ سهواً القلمهای زیر نیز یادداشت شده است:

قصیده ۳۶، مصراع دوم، ب ۴۵: «وان» به جای «وین»: قصیده ۵۱، ب ۳: «خاری» به جای «خواری»: ص ۹۴۱، سطر ۹: «میزم» به جای «بیرم» و ص ۹۷۳، سطر ۱۰: «برخواست» به جای «برخاست».

○ اغلاط چاپی که یادداشت شده است (صورت نادرست / صورت درست).

۱) قصاید: قصیده ۵، بیت ۴۱: سیف / صیف؛ ق ۱۵، ب ۲: بخشیم / نخسیم؛ ق ۱۶، ب ۴۳: قرار (در مصراع اول) / فرار؛ ق ۱۰۳، ب ۴۱: جانگداز / جانگذار؛ ق ۱۳۶، ب ۴۴: رست / دست؛ ق ۱۴۸، ب ۱۱۶: سفت / نعت؛ ق ۱۴۹، ب ۳۰: بی بیدین / بی دین؛ ق ۱۶۸، ب ۱۲: باسنگ / پاسنگ؛ ق ۱۹۶، ب ۲۵: چاه / جاه؛ ق ۱۹۸، ب ۲۶: برتابد / برناید؛ ق ۲۱۲، ب ۱۸: ناخج / ناخج؛ ق ۲۳۶، ب ۶۶: نقص / نقض؛ ق ۲۳۶، ب ۹۹: میرم / بیرم؛ ق ۲۴۳، ب ۳۷: خط / حظ؛ ق ۲۵۵، ب ۲۸: نهد / نرهد؛ ق ۲۵۵، ب ۳۶: گرد / گرز؛ ق ۲۶۲، ب ۴۱: طعم / طعم؛ ق ۲۷۹، ب ۳: گشته / گشته؛ ق ۲۸۱، ب ۶: من من گویی / من گویی. ۲) ترکیبات و ترجیعات: ۳، ب ۲: نشکند / نشکند. ۳) قطعه‌ها: قطعه ۱۲۰، ب ۶: گردون / گردن؛ ۱۲۸، ب ۱۱: افکانه / افکانه؛ ۱۴۰، ب ۱: تغزیت / تعزیت. ۴) شهر آشوب: ص ۹۲۳، ب ۱۷: البند / دلیند؛ ص ۹۲۴ (عنوان)، دروگر / درودگر.

سخن به درازا کشید ولی این را هم نگفته نباید گذاشت که در موارد بسیاری صورت صحیح شعر مسعود سعد با اندیشه دقیق و گره گشای حضرت استاد از میان نسخه بدلها بیرون کشیده شده و در متن دیوان ضبط شده است. جای آن بود که از آنها نیز نمونه‌هایی می‌آوردیم که تنها به پای طاووس نگرستن نشان کج ذوقی است. اما شهدالله که مقصود این شاگرد حقیر عیبجویی نبوده و نیست. تندرستی و توفیق روز افزون استاد کوشا و فاضل و عزیز را از خدای متعال خواهانم.

۱) مثلاً فقط در یازده قصیده اول حرف الف مضمون «طنین صوت در کوه و پژواک آن» (صدا) پنج بار تکرار شده است.
۲) رجوع شود به «بیاض ترمذ»، از دکتر سیدامیر حسن عابدی، در همایی نامه، ص ۲۲۹ و همچنین بخش «اضافات» دیوان مسعود سعد، چاپ مرحوم رشید یاسمی، بویژه بخش رباعیات.
۳) مثلاً رباعی ۳۴۲ که به ابوالمعالی نصرالله منشی منسوب است.

○ قصیده ۲۲۰، بین ابیات ۶۷ و ۶۸:

ای جهان را ز تو پدید شده
همه آثار رستم دستان

○ قصیده ۲۲۸، از آخر قصیده:

چرخ ترا دولت سمائی رهبر
تبع ترا نصرت خدای افسان

○ قصیده ۲۳۱، بین ابیات ۷ و ۸:

کام زیادت مجو کارزیادت مکن
سخن زیادت مگوی خلق زیادت مخوان

○ قصیده ۲۳۸، بین ابیات ۳۷ و ۳۸:

مگر که ذات تو جانست کش نداند وهم
مگر که وصف تو عقلست کش نیابد ظن

○ ص ۷۴۳، ترکیب بند ۱، بین ابیات ۴۲ و ۴۳ (معمولاً در

ترکیبات و ترجیعات تعداد ابیات هر بند برابر است):

از خوی ابر کُل صدف کردار
در ناستفته در دهان دارد

○ ص ۷۴۹، ترجیع بند ۳، بین ابیات ۲۷ و ۲۸:

برسور سوسن و گل مراسیلات را
پر زرنکار چون گل و سوسن کنی همی

○ ص ۷۹۱، مثنوی، بین ابیات ۴۶ و ۴۷:

پدری کز همه ملوک جهان
چرخ هرگز چو او نداد نشان

○ ص ۸۰۳، مثنوی، بین ابیات ۲۰۲ و ۲۰۳:

زین همه زخم و چوب بند و جرس
غرض او بر آش باشد و بس

○ ص ۸۴۷، قطعه ۴۲: این قطعه، سه بیت دیگر هم در پی دارد که

در چاپ شادروان رشید یاسمی آمده است. در نسخه بدلها اشاره‌ای به این نکته نشده است.

○ ص ۸۶۲، قطعه ۷۱، بین ابیات ۴ و ۵:

وگر بر زهر گردانی دهانم
زبانم گویدت شکری چوشکر

○ ص ۱۰۳۳، بین دو رباعی ۲۶۱ و ۲۶۲ رباعی زیر که بسیار

شباهت به رباعی ۲۲۲ دارد:

صالح دل اگر به جای جامه بدرم
شاید که همی خون شود از غم جگر
در دیده من از مرگ تو خونها دارم
بر مرگ تو تا به مرگ خونها بخورم

چند نکته دیگر

○ در شماره گذاری ابیات قصاید ۳ و ۵ و ۸۷ و ۱۲۲ و ۱۲۶ و ۱۳۴ و

۲۳۶ و ۲۷۶ و ۲۸۵ و ۲۹۶ و همچنین قطعات ۷ و ۲۲ و ۱۱۴

مسامحه رفته است.

○ در فهرست اعلام، بویژه در ذکر شماره صفحه، گاهی دقت لازم